

نقد جایگاه توسعه روستایی

در لایحه پیشنهادی برنامه پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران

عبدالرضا رکن‌الدین افتخاری*

تاریخ پذیرش: ۸۹/۵/۱

تاریخ دریافت: ۸۹/۲/۱۴

چکیده

نقد به عنوان یک معیار داوری و سنجش برنامه و اثر علمی، یکی از روش‌های پذیرفته شده و مقبول جامعه علمی است تا با نشان دادن و آشکار کردن قوت‌ها و کاستی‌های فرایند برنامه‌ریزی، زمینه را برای اتخاذ مناسب‌ترین تصمیم‌گیری‌ها و انتخاب بهترین راه‌های ممکن برای مدیریت سرزمین، فراهم کند. در این میان برنامه پنجم پیشنهادی توسعه جمهوری اسلامی ایران که سرنوشت سرزمین را برای پنج سال آینده تعیین می‌کند لازم است با رویکرد تفکر انتقادی که شیوه‌گفتمان عمومی درباره سیاست‌ها و برنامه‌ها است، داوری شود. در این ارتباط پرسش کلیدی این است که برنامه پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک اندیشه، روش و عمل از چه ویژگی‌هایی برخوردار است و توسعه روستایی در آن چه جایگاهی دارد؟

برای پاسخ به پرسش از روش تحلیل محتوا با رویکرد سازگاری با چهار مدل منطقی، بنیاد مدیریت کیفیت اروپایی، تطبیقی و نقد استفاده شد. یافته‌ها حاکی از آن است که: ۱- روستا ۱۳ درصد موارد پیشنهادی را به خود اختصاص داده است، ۲- معماری برنامه از کاستی اندیشه‌ای و روش‌شناسی برخوردار است به طوری که تمرکزگرایی و بزرگ شدن دولت با تقویت نهادهای شبه دولتی و عملیاتی (وظیفه‌ای) نبودن برنامه از ویژگی‌های بارز برنامه بوده و مهندسی فرهنگی و الگوی ایرانی اسلامی مورد ادعا در روستا با مواد پیشنهادی امکان‌پذیر نبوده و ۳- سرانجام باید گفت برنامه پیشنهادی را می‌توان یک آرمان دانست که براساس اصول برنامه‌ریزی، تنظیم نشده و توسعه روستایی مورد ادعا در برنامه را نمی‌تواند محقق سازد.

*عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس

مقدمه

امروز در متون توسعه و برنامه‌ریزی واژه‌هایی چون: برآورد (تقویم)^۱، ارزیابی^۲، سنجش^۳ و دیده‌بانی^۴ برای داوری به کار گرفته می‌شود. نکته مشترک مفهوم همه این واژه‌ها در این است که تقویم، تشخیص، پایش، سنجش و ارزیابی به نوعی ابزارهای داوری هستند و از ضرورت‌های فرایند برنامه‌ریزی به شمار می‌روند. این ابزارها روش نظام‌مندی را برای تحلیل، تفسیر و نقد از طریق معیارگذاری و ارزش‌گذاری به کار شناخته‌شده برنامه فراهم می‌سازند. در واقع اینها محک، معیار اندازه‌گیری، سنجش برنامه و اثر علمی از رهگذر ملاک مقبول جامعه علمی هستند که مسئولیت غربال کردن و از صافی گذراندن و نشان دادن و آشکار کردن قوت‌ها و موارد پنهان در فرایند برنامه‌ریزی را به عهده دارند، چنین نگاهی به داوری و ابزارهای آن، که با استدلال کردن، آفرینش و تولید، آزمون پرسش‌ها، بینش و احساس کردن و وزن‌گذاری همراه است، آن را با تفکر انتقادی هم‌راستا می‌کند و زمینه را برای اتخاذ مناسب‌ترین تصمیم‌گیری‌ها برای انتخاب بهترین راه‌های ممکن در مدیریت سرزمین فراهم می‌کند. با این توصیف ارزیابی و نقد یک تفکر، روش و مهارت است و در برگیرنده اندیشه، روش و عمل است تا برنامه را نیز از این جنبه‌ها با در نظر گرفتن امکان‌پذیری و واقع‌بینی مورد آزمون قرار دهد. حال پرسش کلیدی این است که برنامه پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک اندیشه، روش و عمل از چه ویژگی‌هایی برخوردار است و در این میان توسعه روستایی در برنامه از چه جایگاهی برخوردار است؟

۱- مبانی نظریه‌ای:

علم‌باوری که با درک و هضم اندیشه‌های جدید در حل مسائل همراه است، در برنامه‌ریزی علمی اساس کار و پایه عمل به شمار می‌رود تا با ترویج و فرهنگ‌سازی از طریق اطلاع‌رسانی (عمومی) رسانه‌ای، علمی (دانشگاهی)، اجرایی و روابط عمومی سازمان‌ها و نهادها از یکسو و با نهادسازی از طریق ایجاد سازوکارهای لازم از سوی دیگر، اندیشه علمی برنامه‌ریزی را نهادینه نماید و به عنوان یک رفتار که توأم با تعهد همراه است، در جامعه جاری سازد. برنامه‌ریزی مبتنی بر علم‌باوری در شرایط امروز با رویکرد راهبردی، ارتباطی، ظرفیت‌سازی، توانمندسازی و شبکه‌سازی همراه است (اوزبرن، ۱۳۸۴: ۳۸۱-۳۷۱). چنین رویکردی در شناخت مسائل راهبردی به برنامه‌ریزی راهبردی و مدیریت راهبردی نیاز دارد تا اندیشه راهبردی را تبدیل به عمل راهبردی نماید (افتخاری و دیگران، ۱۳۸۸: ۳-۸). در این میان

با برداشتن سه گام: ۱- شناسایی و تنظیم اهداف میان مدت، ۲- تدوین و توسعه راهبردهای برنامه ریزی وظیفه‌ای و ۳- سیاست‌های ارتباطی توانمندسازی و ظرفیت‌سازی، اجرای راهبرد موفق برنامه را فراهم می‌سازد.

در واقع سه گام با تبدیل انتظارات بلندمدت به برنامه‌ریزی و بودجه میان مدت و کوتاه مدت، بازده و نفوذ برنامه را که کارایی و اثربخشی نتیجه آن است، فراهم می‌سازد، تدوین و توسعه راهبردهای برنامه‌ریزی و وظیفه‌ای نیز تبدیل راهبرد اصلی که در چشم‌انداز و سیاست‌های کلان متبلور است به طرح عملی برای واحدها، سازمان‌ها و ذینفع‌ها را به عهده دارد و سرانجام سیاست‌ها نیز به عنوان راهنمای ویژه برای سطوح مدیریت عملیاتی، مطرح می‌شوند. بنابر این، باید گفت برنامه‌ریزی راهبردی که توأم با مدیریت راهبردی همراه است، تلاش می‌کند در فرایند برنامه‌ریزی سطوح راهبردی را که در برگزیده: ۱- سطح ساختاری یا سیاست‌گذاری (تصمیم‌گیری)، ۲- سطح برنامه‌ریزی (تبدیل سیاست‌ها و تصمیمات کلان و عام به خاص و ویژه) و ۳- سطح وظیفه‌ای، رعایت کند (پیرز و دیگران، ۱۳۸۷: ۱۳-۱۱).

در سطح اول که سیاست‌گذاری و طراحی و معماری مطرح است، نظرات و دیدگاه‌ها که بازتاب گرایش‌ها، خواسته‌ها، نیازها و ترجیحات گروه‌ها، جامعه و فضاهای زیست است، تلاش می‌کند با در نظر گرفتن آنها و شرایط محیط داخلی و خارجی، حیطه فعالیت‌ها در سطح ملی را مشخص کند، در واقع این سطح از مدیریت فرایند برنامه‌ریزی از صلاحیت‌ها و مزیت‌های ممتاز برخوردارند و دارای رویکرد مجموعه‌ای، کل نگر و کلان نگر هستند. در سطح دو، که تبدیل سیاست و تصمیمات راهبردی سطح اول یا جهت‌ها و مقاصد تأیید شده در سطح اول به هدف‌ها و راهبردهای عملیاتی است و سطح ۳ که مدیریت اجرایی را شکل می‌دهد، تدوین و اجرای راهبردهای میان مدت و کوتاه مدت و هدف‌های میان مدت و کوتاه مدت را به عهده دارند و بر انجام دادن کارها و فعالیت‌ها که با کارایی و اثربخشی همراه است تأکید دارند (جدول ۱).

در واقع نقد و ارزیابی برنامه پیشنهادی که با فنون تحقیق برنامه‌ریزی انجام می‌گیرد نوعی علم‌باوری است و می‌تواند کارایی و اثربخشی برنامه را مشخص کند و به، به روز کردن تصمیم‌گیری‌ها بیانجامد. بنابرین، داوری برنامه ارزیابی به مثابه هدفی برای تطبیق، فراهم‌کننده اطلاعات برای تصمیم‌گیرندگان در سطوح مختلف است تا از این طریق بتواند، تصمیم‌گیری برای آینده حداقل ۵ سال را با حداقل هزینه‌های اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی روبرو سازد. با این نگاه داوری ارزیابی برنامه، روشن‌کننده گفتمان عمومی در مورد سیاست‌ها و

جدول شماره ۱: مشخصات تصمیمات راهبردی در سطوح مختلف فرایند برنامه ریزی

مشخصات	سطح راهبردی		
	۱- سیاست گذاری	۲- برنامه ریزی	۳- اجرایی و عملیاتی
نوع راهبردی	مفهومی	ترکیبی	عملیاتی
داوری (سنجش پذیری)	لضوابط ارزشی (کیفی)	ترکیبی	قضایات کمی
تعداد	اندواری / دوری	ترکیبی	اندواری
ارتباط با فعالیتها	غواوری	متوسط	تکمیل کننده
ریسک	دائمه وسیع	متوسط	پایین
منافع	زیاد	متوسط	کم
هزینه	زیاد	میان مدت	نه چندان زیاد
اثر زمانی	بلندمدت	متوسط	کوتاه مدت
انعطاف پذیری	پالا	متوسط	پایین
همکاری	زیاد	متوسط تا کم	کم
سازگاری	پایین	متوسط	پالا

برنامه‌ها به مثابه یک روش تحقیق برای تعیین و دستیابی به نتایج مناسب است. بنابراین، هدف از داوری ارزیابی سنجش تأثیر تفکر برنامه‌ریزی و عمل و پیامد آن در طول و پس از اجرای برنامه، تفسیر منظم و فراگیر از فرایند برنامه است.

با این چارچوب و روش باید گفت که لایحه پیشنهادی دارای ویژگی‌های ادعایی زیر است (معاونت برنامه‌ریزی و نظارت و رهبری ریاست جمهوری، ۱۳۸۸):

الف - از بعد کلان و مبنایی:

۱- پنجمین برنامه توسعه و دومین برنامه از سند چشم‌انداز بیست ساله است.
 ۲- در رویکرد مبنایی آن پیشرفت و عدالت و توجه به تمامی ابعاد تحولات داخلی و خارجی مد نظر قرار گرفته است.

۳- با اهدافی (به منظور: ۱) ارائه تصویری از توانمندسازی ملت ایران، (۲) نمایش همبستگی قدرتمند ملت و دولت، (۳) شکل دادن به بارقه‌های امید و بسط ایمان همراه با جوش زاینده فرهنگ اسلامی ایرانی، تدوین شده است.

افزون بر این، اصول مورد توجه در تدوین برنامه عبارتند از:

- ۱- دستیابی به جایگاه ترسیم شده برای کشور در سند چشم‌انداز بیست ساله در منطقه
- ۲- تحقق کامل سیاست‌های کلی ابلاغی مقام معظم رهبری

۳- توجه به خطوط راهنمای الگوی اسلامی ایرانی در ابعاد مختلف فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی و عدالت اجتماعی

۴- دفاع از حقوق و کرامت انسانی، تأمین اجتماعی، توزیع مناسب درآمد به دور از فقر، فساد و تبعیض

۵- جلب گسترده مشارکت مردم و مردمی کردن حوزه‌های اقتصادی و اجتماعی

۶- ایجاد فضای مناسب برای تحقق جهش بلند اقتصادی و اجتماعی.

بنابراین، برنامه مدعی است که شاخص پایه‌ای آن پیشرفت و عدالت و توجه به دین‌باوری و خودباوری می‌باشد. در واقع در برنامه با بیان ویژگی‌ها، اصول و شاخص پایه‌ای، این ادعا مطرح شده است که برنامه با تغییر رویکرد همراه است. به طوری که از این تغییر رویکرد به عنوان ترسیم الگوی بومی و نقشه اسلامی ایرانی یاد شده است و از ویژگی‌های آن می‌توان به جامعه اسلامی اسوه و شاهد با رویکرد عدالت محوری و مشارکت مردمی در تمامی عرصه‌ها با بهره‌مندی از قابلیت‌ها و ظرفیت‌های مادی و معنوی، اشاره کرد.

با چنین تغییر رویکردی، برنامه انتظاراتی را مطرح ساخته که تحقق دولت اسلامی با تحول در ساختار اداری، مدیریت با اولویت تحول فرهنگی بر مبنای فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی و مهندسی فرهنگی، از راهبردهای اساسی آن است.

- از بعد خرد و خاص (توسعه روستایی)

در بعد خرد و خاص نیز به تعریف توسعه روستایی و ابعاد و اهداف آن به صورت عام در فصول برنامه و ویژه توسعه روستایی پرداخته شده است که در مجموع ۱۳/۶ درصد از مواد پیشنهادی، سهم جایگاه روستا را در برنامه، را نشان می‌دهد، بدین ترتیب تفصیل آن عبارتند از:

۱- تعریف توسعه روستایی از دیدگاه لایحه:

بهبود وضعیت روستاها از طریق ارتقا سطح درآمد و کیفیت زندگی روستائیان و کشاورزان و کاهش نابرابری‌های موجود بین جامعه روستایی و عشایری.

۲- اهداف و سیاست‌های مورد توجه توسعه روستایی در لایحه:

الف) توجه به نهادسازی فراسازمانی و سازمانی (ساماندهی مدیریت مراتع، روستاهای فاقد شورا)

ب) توجه به کارآفرینی، گردشگری، دامداری و کشاورزی صنعتی و صنایع دستی با چند سناریو:

- ساماندهی خروج دام از جنگل و توجه به مهاجرت معکوس

- بهره‌برداری از مراتع و زیست‌گاه‌های طبیعی بر مبنای توان اکولوژیکی
- جایگزینی دامداری داشتی به صنعتی

- ساماندهی و استقرار فعالیت‌های کارآفرینی و اشتغالزا

- گسترش کشاورزی صنعتی با اولویت‌بندی خوشه‌ای و زنجیره‌ای

(ج) توجه به خدمات بیمه پایه سلامت، خدمات نوین و گازرسانی

(د) توجه به ایجاد بانک خرد و صندوق‌های اعتباری محلی و بازار محلی

(ر) توجه به آموزش فنی و حرفه‌ای مداوم

(ز) ساماندهی مجموعه روستاها، روستاهای کلان‌شهرها، نوسازی و ایمن‌سازی کالبدی

(ن) ساماندهی حمل و نقل روستایی

۳- مسائل راهبردی توسعه روستایی در برنامه پنجم

۱. کاهش اعتبار فرهنگ بومی و هویت خرده‌فرهنگ‌ها

۲. نارسایی در مدیریت کلان و خرد

۳. نارسایی در کارآفرینی

۴. نارسایی در بهره‌برداری از منابع و کاستی در شیوه‌های بهره‌برداری

۵. نارسایی در آموزش فنی و حرفه‌ای

۶. نارسایی در نظام اعتباری روستا

۷. نارسایی در نظام حمل و نقل روستا

۸. نارسایی در نظام پایه سلامت

۹. نارسایی در نظام کالبدی و نظام برنامه‌ریزی کالبدی مبتنی بر نوع روستاها.

۴- ابعاد توسعه روستایی مورد توجه در لایحه پیشنهادی:

الف) خاص (ماده ۱۷۴)

۱- نهادی:

۱. ایجاد ساختار فراسازمانی (بند الف)

۲. طراحی الگوی مدیریت در آبادی‌های فاقد شورای اسلامی (بند د)

۲- اجتماعی:

۱. آموزش فنی و حرفه‌ای مداوم با هدف توانمندسازی (بند ط)

۲. ارائه خدمات نوین و اولویت‌بندی خدمات با شرایط بومی (بند ب)

۳. حمایت از مهاجرت معکوس (بند ز)

۴. ارتقای شاخص های توسعه روستایی (بند ب)

۳- اقتصادی:

۱. ایجاد بانک تأمین مالی خرد (بند و)
۲. حمایت از صندوق های اعتباراتی محلی (بند ه)
۳. حمایت از گسترش کشاورزی صنعتی (بند ج)
۴. حمایت از صنایع دستی و روستایی از طریق خوشه بندی (بند ج)
۵. حمایت از صنایع و گردشگری (بند ج)
۶. حمایت از کارآفرینی (بند ی)
۷. ایجاد و تقویت بازارهای محلی (بند ج)

۴- کالبدی:

۱. ساماندهی مجموعه روستایی با هدف خدمات رسانی (بند ک)
۲. بهسازی، نوسازی یا بازسازی و ایمن سازی ساختار کالبدی محیط و روستا (بند ج)
۳. ساماندهی حمل و نقل روستایی بالای ۵۰ خانوار (بند ل)

ب) عام

۱) اقتصادی:

۱. ساماندهی خروج دام از جنگل به میزان ۷۵ درصد (ماده ۱۳۵، بند ج)
۲. حمایت از تولید دام به روش صنعتی (ماده ۱۳۵، بند ج)
۳. کاهش ۶۵ درصد دام مازاد در مرتع و جایگزینی آن با دام های صنعتی (ماده ۱۳۵، بند د)

۲) اجتماعی:

۱. تخصیص کاربری زمین به مساجد در طرح هادی به منظور توسعه فضاهای مذهبی (بند الف، ماده ۵)
۲. حمایت از ایجاد مراکز حفظ آثار فرهنگ سنتی عشایری و روستایی توسط بخش خصوصی و نهادهای عمومی (بند د، ماده ۱۳).

۳. تعریف و معادل قرار دادن خدمات بیمه پایه سلامت روستائیان و عشایر با مناطق

شهری

۴. اولویت گازرسانی به مناطق و روستاهای جنگلی و دریافت هزینه با نرخ ترجیحی

(ماده ۱۳، بند و)

۵. واگذاری بخشی از فعالیت های آموزشی، بهداشتی، فرهنگی، عمرانی به سازمان

جدول ۲: ابعاد و سیاست‌های مورد توجه در برنامه پیشنهادی پنجم

ردیف	خاص توسعه روستایی	عام (بخش‌های مختلف)	ابعاد / سطح
۵	۱- ایجاد ساختار فراسازمانی ۲- طراحی الگوی مدیریت در آبادی‌های فاقد شوراه	۱- واکماری بخشی از فعالیت‌های آموزشی، بهداشتی، فرهنگی، عمرانی به وسیله سازدگی، ۲- ساماندهی خروج نام از جنگل به میزان ۷۵ درصد ۳- سازماندهی مدیریت منابع	بهداری
۸	۱- آموزش فنی و حرفه‌ای مداوم ۲- ارائه خدمات بومی ۳- حمایت از بهایجات معکوس ۴- ارتقای شاخص‌های توسعه روستایی	۱- تخصصی‌کاری زمین به مساحت ۲- حمایت از ایجاد و حفظ آثار فرهنگی سنتی ۳- خدمات بیمه پایه سلامت ۴- اولویت‌بندی کارزارهای	اجتماعی
۷	۱- ایجاد بانک نایمن مالی خود ۲- حمایت از صندوق‌های اعتباری محلی ۳- حمایت از کشاورزی صنعتی و منابع دسمی و گردشگری ۴- حمایت از کار آفرینی ۵- تقویت بازارهای محلی	۱- حمایت از تولید نام به روش صنعتی ۲- کاهش ۶۵ درصد نام بازار در منابع و جایگزینی آن با دامداری صنعتی	اقتصادی
۷	۱- ساماندهی مجموعه روستایی ۲- بهسازی و توسعه زمین‌سازی ساختار کالبدی محیط و مسکن ۳- ساماندهی حمل و نقل روستایی	۱- ترویج الگوی معماری بومی، ۲- تهیه طرح‌های ساینده‌سازی ساختمان و فضای ۳- ساماندهی فعالیتات میان شهرهای یکی از ۱۰۰ هزار نفر جمعیت و روستاهای پیرامون ۴- تهیه و اجرای طرح‌های هادی واقع در کلاشهرها	کالبدی
۲۷	۱۴ مورد	۱۳ مورد	جمع موارد



بسیج سازندگی

۳) نهادی: سازماندهی مدیریت مراتع

۴) کالبدی:

۱. ترویج الگوهای معماری بومی و تقویت تعاملات اجتماعی در فضاها (ماده ۱۵۱)
۲. بررسی و تدوین ضوابط تهیه طرح‌های مناسب‌سازی ساختمان‌ها و فضاهای روستایی برای معلولین حرکتی (تبصره ۳، ماده ۱۵۱).
۳. ساماندهی تعاملات اجتماعی، اقتصادی و کالبدی برای شهرهای بیش از یکصد هزار نفر و روستاهای واقع در حریم آنها.
۴. تهیه و اجرای طرح‌های هادی برای روستاهای واقع در حریم کلانشهرها (ماده ۱۵۵).
۵. صدور سند مالکیت املاک در روستاها (ماده ۱۵۶).
۶. احداث، بازسازی و توسعه فضاهای فیزیکی (شوراهای حل اختلاف مناطق روستایی) (ضمیمه ماده ۶، بند الف).

۵) اولویت‌های راهبردی:

۱. مدیریت و ساماندهی دولتی
۲. گسترش کارآفرینی (صنایع، کشاورزی، گردشگری و ...) با روش صنعتی
۳. مدیریت اعتبارات خرد
۴. ترویج الگوی معماری بومی
۵. مدیریت و ساماندهی بحران و خطر در روستاها
۶. مدیریت و برنامه‌ریزی کالبدی
۷. مدیریت تعادل دام و مرتع
۸. مهندسی اجتماعی روستا

روش‌شناسی:

برای پاسخ به پرسش‌ها با استفاده از روش تحلیل محتوا و رویکرد سازگاری (رویکرد نظریه‌ای)، سه عنصر راهبردی در فرایند برنامه‌ریزی (فرایند برنامه‌ریزی: اندیشه، بینش بازسازی و توان‌سازی یا رفتارهای برنامه، نهادهای برنامه‌ریزی؛ سازوکارهای تحقق اندیشه و بینش برنامه که با عملیاتی کردن و پیاده‌سازی رفتارها همراه است در کنار مدیریت برنامه که هدایت اندیشه و تداوم بخشی به نهادها و شیوه‌های هدایت است) را مورد نقد و ارزیابی قرار می‌دهیم.

تحلیل:

برای تحلیل جایگاه روستا در لایحه پیشنهادی برابر طرح مسئله، مبانی نظریه‌ای و روش‌شناسی با شیوه تطبیقی و تحلیل محتوا، دو رویکرد مورد توجه قرار می‌گیرد:

۱- رویکرد سازگاری درونی

برابر این رویکرد سه عنصر راهبردی در فرایند برنامه‌ریزی لایحه پیشنهادی (اندیشه و بینش برنامه‌ریزی، روش برنامه‌ریزی و مدیریت برنامه‌ریزی) با رویکرد مبنایی ادعایی برنامه مورد توجه قرار می‌گیرد و توانمندسازی برنامه از سه روش چارچوب منطقی، مدل رادار مبتنی بر مدل EFQM و معیارهای سطح تصمیم‌گیری برای دستیابی به اهداف داوری می‌شود (گالوی، ۱۹۹۹: ۵-۱۰)

۲- رویکرد سازگاری بیرونی

برابر این رویکرد، ملاک‌های برنامه پیشنهادی با برخی ملاک‌های مقبول در نقد برنامه که از استانداردها، عناصر، استدلال و به کارگیری معیارها در عناصر استدلال است و روش مقایسه‌ای با برنامه چهارم مورد داوری قرار می‌گیرد. در مورد رویکرد نخست باید گفت توجه به الگوی اسلامی ایرانی، عدالت اجتماعی، دفاع از حقوق و کرامت انسانی، تأمین اجتماعی، توزیع مناسب درآمد به دور از فقر، فساد و تبعیض، جلب گسترده مشارکت مردم و ایجاد فضای مناسب برای تحقق جهش بلندمدت اقتصادی از اصولی است که شاخص پایه‌ای پیشرفت و عدالت و دین‌باوری و خودباوری قلمداد شده است و این ادعا مطرح شده است که این اصول و شاخص‌ها، رویکرد تغییر در برنامه را همراه داشته و دارد و تحول در ساختار اداری، مدیریتی با تحول فرهنگی (مهندسی - فرهنگی) راهبرد اصلی فعالیت برنامه و تغییر قلمداد شده است، که با مدل منطقی و مدل رادار، تطبیق داده شده است.



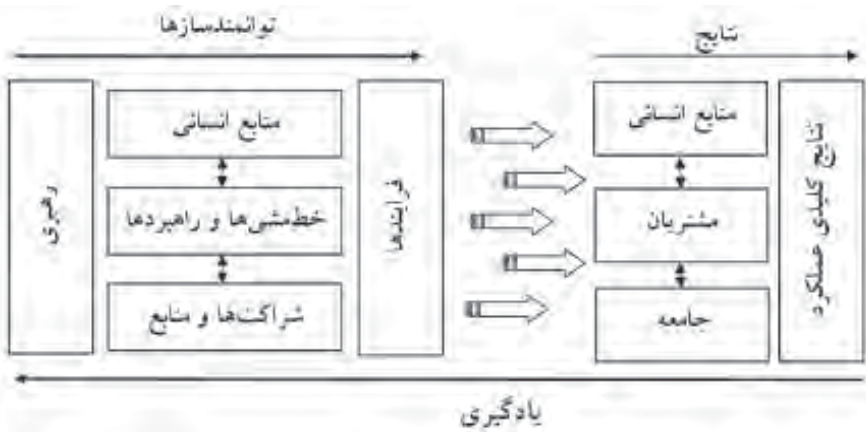




همان‌طوری که از مدل منطقی برمی‌آید، فرایند برنامه در ورودی‌ها، فرایندها و خروجی‌ها (پیامدها) از کاستی برخوردار است به ویژه اینکه؛

- ۱- سرمایه‌گذاری و مشارکت مردم در الگوی اسلامی - ایرانی چندان مشخص نیست.
- ۲- در فرایندها عموماً به نهادسازی و مدیریت دولتی توجه شده است و مهندسی فرهنگی در روستاها به فراموشی سپرده شده است و لذا دستیابی به اهداف و نتایج مطلوب با دشواری روبروست.
- ۳- در خروجی‌ها نیز که می‌بایستی نتایج مشهود فرایندهای اساسی در برنامه با تعداد، درصد، نسبت و ... (کمیت) بیان می‌شد.

فقط در چند مورد از جمله ساماندهی خروج دام از جنگل (۷۵ درصد) و کاهش ۶۵ درصدی دام مازاد در مراتع این نتایج مشهود است و از این رو، بقیه موارد به تدوین دستورالعمل‌ها ... ارجاء داده شده است که با توجه به کاستی در فرایندها و دولت محور بودن تحول، انتظار تغییر (یادگیری و معیارهای آن، کنش و معیارهای آن و شرایط و ابعاد آن) در مردم روستایی و الگوی رفتاری آنها به ویژه از بعد عدالت، پیشرفت، دین‌باوری و خودباوری نه تنها قابل پیش‌بینی نیست بلکه در ابهام کامل است بدین صورت که چگونگی دستیابی به اینها معین و مشخص نیست. بنابراین، می‌توان گفت که برنامه پنجم پیشنهادی براساس مدل و الگوی منطقی از یک نارسایی اندیشه‌ای، روش‌شناسی و مدیریت برخوردار است.



اگر لایحه برنامه پنجم پیشنهادی را با مدل RADAR (رادار) مبتنی بر مدل EFQM (بنیاد اروپایی کیفیت) مورد تحلیل قرار دهیم در آن صورت به دو ویژگی در ساختار مدل باید توجه کرد که عبارتند از؛

۱- توانمندسازها (رهبری، منابع انسانی، خط‌مشی و راهبرد، شراکت‌ها و منابع و فرایندها)

۲- نتایج (منابع انسانی، مشتریان، جامعه و عملکرد).

بنابراین، الگوی کلی مدل بدین صورت خواهد بود.

برای عملیاتی کردن مدل معرف و شاخص‌های دو حوزه اصلی و حوزه‌های فرعی آن تعریف و با برنامه پیشنهادی تطبیق داده می‌شود و در این مدل رویکرد، جاری سازی، ارزیابی، بازنگری و نتیجه‌گیری مورد توجه است. در این چارچوب به لحاظ تئوریک بودن برنامه، فقط بعد توانمندسازی مورد بحث قرار می‌گیرد.

برابر مدل در حوزه رهبری، مشارکت و هدایت دولت با شاخص‌هایی چون: توسعه اخلاق و ارزش‌های اسلامی ایرانی، ایجاد روحیه مشارکت در فرایند توسعه، ایجاد انگیزه برای مشارکت، حمایت از تشکلهای مدنی (مردم نهاد)، کمک‌های مالی و اعتبارات به بخش خصوصی و تعاونی، کاهش تصدی‌گری دولت، تشویق الگوی مصرف بهینه، مشارکت مردم در تصمیم‌سازی‌ها و تصمیم‌گیری‌ها، مشارکت نسل جوان مدنظر قرار گرفت. در حوزه رهبری انتظار بر این است، چشم‌انداز دولت در مورد مشارکت و جاری‌سازی اخلاق و ارزش‌های خدمت‌رسانی و تسهیل‌گری حاکم بر مدیریت و جلوگیری از اصراف و تبذیر و بکارگیری بهینه منابع و ایجاد انگیزه به منظور مشارکت فعال در امر توسعه روستایی به صورتی ترسیم می‌شد که به عنوان یک

عامل توانمند ساز تلقی می‌شد و یا حمایت دولت از تشکلهای مدنی مشخص می‌شد و حضور مؤثر آنان از طریق ایجاد انگیزه مشارکتهای فکری، تولیدی، خدماتی و سرمایه‌گذاری زمینه حضور اقشار جامعه روستایی را در فرایندهای توسعه فراهم می‌نمود.

و یا در مورد پشتیبانی از بخش خصوصی و تعاونی و حمایت آنان و حذف موانع و سازمان‌های بوروکراسی و بازدارنده انتظار بر این بود که در برنامه تأکید بیشتری می‌شد، بنابر این، باید گفت برابر مدل EFQM حضور رهبران دولت در برنامه بر این اصل استوار است که انگیزه‌های مردمی را در رسیدن به اهداف توسعه ملی روستایی افزایش داده و مشارکت به ویژه نسل جوان روستایی را ایجاد و تقویت نماید.

در حوزه خط مشی و راهبردها، تهیه و تدوین و اجرای برنامه راهبردی توسعه روستایی، تهیه، تدوین و اجرای راهبرد جذب سرمایه‌گذاری‌ها در روستا، اصلاح ساختار حاکم بر روستاها و تدوین راهبرد اقتصادی روستا و... انتخاب شدند. در حوزه خط مشی و راهبرد انتظار بر این است که سهم روستا از منافع توسعه ملی افزایش یابد و فرهنگ تولیدگری روستایی گسترش یابد و شهری کردن کمی جای خود را به تعادل سازی در مهاجرت و یا معکوس کردن آن و افزایش اعتباریابی سکونت در روستاها دهد. از این رو، کاستی در این جنبه، اجرای برنامه و دسترسی به اهداف آن را با مشکل مواجه خواهد کرد در واقع یکی از مهمترین الزام مدل، تهیه و تدوین راهبردهای توسعه روستایی است که هنوز این مهم نه تنها در برنامه بلکه در چشم انداز ملی نیز ناپیدا است، که یکی از حلقه‌های گمشده فرایند برنامه‌ریزی می‌باشد.

در حوزه منابع انسانی که یکی از عناصر اصلی سرمایه در توسعه پایدار روستایی است و در این چارچوب روستایی تولیدکننده سرمایه، دانش، تجهیزات و دانش فنی روستا است، انتظار می‌رفت که رویکرد برنامه بر اساس دانایی محوری تنظیم می‌شد و چراکه جاری سازی این رویکرد نقش مهمی در رسیدن به نتایج مورد انتظار دارد. بنابر این، تدوین نظام راهبردی منابع انسانی روستا بر اساس چشم انداز و سیاست‌های کلی نظام در چارچوب نظام سلامت و بهداشت فراگیر منابع انسانی و تأمین نیازهای اولیه انسانی مولد روستا از رویکردهای مهمی است که دولت در برنامه می‌بایست لحاظ می‌کرد که در سند لایحه فقط بیمه پایه سلامت آن هم به صورت مفهومی مطرح شده است. در حوزه شراکت‌ها و منابع، رویکرد صحیح، توجه به عوامل تولید به ویژه مدیریت صحیح توسعه اقتصادی و منابع در روستا می‌باشد. بر این اساس، افزایش منابع و سرمایه‌گذاری و افزایش بهره‌وری عوامل تولید، بهره‌وری سرمایه و

بهره‌وری نیروی کار از شاخص‌هایی است که می‌بایستی در برنامه به آنها توجه می‌شد در واقع در برنامه چگونگی استفاده بهینه از منابع به ویژه منابع خصوصی، تعاونی و توسعه این بخش‌ها و نیز میزان تسهیلات بانکی مشخص نیست. در واقع مشخص نبودن سیاست‌های عملیاتی و راه‌های جذب سرمایه‌گذاری‌ها و برخورد انفعالی با این حوزه، دسترسی به اهداف برنامه در بعد توسعه روستایی ادعایی را با تأخیر مواجه خواهد ساخت.

در حوزه فرایندها و ارتباط آن با برنامه پیشنهادی باید گفت؛ ارتقای توان فرایندهای تولید و خدمات و افزایش کیفیت آنان در روستا نقش بسزایی در توسعه اقتصاد ملی می‌تواند داشته باشد و از این رو تحول در نظام اداری روستا و بهینه‌سازی فرایندهای ارائه خدمات به روستا و تأمین به موقع نیازهای روستائیان، با ایجاد نهادهای محلی مدنی در افزایش رضایتمندی در فرایندها می‌تواند منجر به افزایش اطلاعات و تصمیم‌گیری‌ها و همچنین افزایش بهره‌وری منابع شده و شاخص‌های توسعه را در روستاها ارتقاء دهد. در این میان افزایش فرایندهای پشتیبانی‌کننده توسعه، از جمله اعطای وام‌های بلندمدت به تولیدکننده و ارائه‌کننده خدمات و توسعه صنایع کوچک، توسعه حمل و نقل و راه‌های روستایی از جمله مواردی است که در برنامه می‌بایست به آنها توجه جدی می‌شد. در واقع توانمندسازی فرایندها بدون گسترش و عمق بخشی به توانمندی‌های فرایندهای تولیدی خدماتی روستایی در فرایند طراحی یک برنامه توسعه - از جمله فرایندهای تولید محصولات و خدمات - خطر ناپایداری را در فرایند توسعه روستایی به همراه دارد که در واقع بدون توسعه حوزه‌های ساختاری مؤثر نمی‌توان انتظار از عملکردهای توسعه روستایی داشت.

از این رو، پیش‌بینی می‌شود که توسعه در بلندمدت با وضعیت‌هایی روبه‌رو شود که امکان بازگشت به حالت تعادل در توسعه را با مشکل روبه‌رو کند متأسفانه در لایحه پیشنهادی با نادیده گرفتن این معیارها جایگاه آن و نحوه بکارگیری آن با ابهام روبه‌رو است. با این توصیف می‌توان گفت که بر اساس مدل EFQM، لایحه برنامه در مورد توسعه روستایی از کاستی‌های جدی در توانمندسازی برخوردار است چرا که اغلب شاخص‌های مورد تأکید در مدل نه تنها مورد توجه قرار نگرفته بلکه رویکردها و جاری‌سازی که اقدامات دولت در مورد تقویت همکاری‌ها و مشارکت مردم (بخش خصوصی، تعاونی و نهادهای مردمی) را بازگو می‌کند نمی‌توان آثار آن را در نتایج برنامه در طول اجرا و پس از اجرا مثبت ارزیابی کرد.

بررسی تطبیقی لایحه پیشنهادی با مشخصات تصمیمات راهبردی نشان می‌دهد که

دولت جایگاه خود را که سطح برنامه‌ریزی و اجرایی است با جایگاه سیاست‌گذاری که بر اساس میثاق ملی (قانون اساسی) که بر عهده نهاد رهبری (مجمع تشخیص مصلحت نظام) می‌باشد و رسالت آن با سیاست‌گذاری‌های کلان همراه است و اصولاً در این سطح نوع راهبرد مفهومی و با افق زمانی بلندمدت و با انعطاف‌پذیری بالا همراه می‌باشد، تغییر داده است و لذا برنامه از راهبرد عملیاتی و قضاوت کمی با افق زمانی کوتاه و میان‌مدت برخوردار نیست. در واقع اگر مواد برنامه پیشنهادی را درخصوص توسعه روستایی برابر جداول مورد توجه قرار دهیم مشاهده می‌شود که به جز چند بند از ماده‌ها که سطح راهبرد وظیفه‌ای هستند بقیه مواد به صورت گزاره‌های مفهومی تنظیم و تدوین شده است که بیشتر با سطح راهبرد سیاست‌گذاری همسویی دارند تا سطح وظیفه‌ای و اجرایی.

در مورد رویکرد دوم با عنایت به تعریف توسعه روستایی از دیدگاه برنامه از یک سو و معیارهای اصول نقد از جمله شفافیت و دقت اهمیت، ارتباط و گستره از سوی دیگر، (میرزایی، ۱۳۸۷: ۷۵-۸۹) مشاهده می‌شود که به علت کمی و عملیاتی نشدن وظایف در مواد و نبود یک اولویت بندی برای تدوین نکات راهبردی در برنامه، مشارکتی نبودن برنامه و نبود یک ارتباط ارگانیک میان اهداف با فرایندها نمی‌توان استنتاج و نتیجه‌گیری از برنامه را که عناصر استدلال در منطق نقد هستند به عمل آورد. در واقع نارسایی و کاستی در تنظیم مواد برنامه با معیارها و استانداردهای نقد علمی و منطبق نبودن آنها با عناصر استدلال برنامه، خودباوری منطقی که در برنامه از آن به خودباوری و دین‌باوری با الگوی اسلامی ایرانی یاد شده است، آشکار و مشخص و روشن نمی‌باشد یعنی در برنامه توسعه ویژگی‌های آشکارکنندگی از کاستی برخوردار است و از این رو، انتظار دستیابی برنامه به اهداف ترسیمی به ویژه توسعه روستایی ناممکن است.

تألیف: گروه آموزشی و پژوهشی گروه تخصصی برنامه‌ریزی و مدیریت روستایی

نوع و نام	محتوا	معیار استاندارد (فرایندها)	نوع و نام
۱- استناد	۱- ساخت و شفافیت مواد پیشنهادی اغلب به صورت هستند و سطح راهبرد وظیفه‌ای	۱- استنادها وجود ندارد	۱- استناد
۲- محدودیت	۲- اهمیت‌نگار راهبردی در توسعه روستایی را اولویت بندی آنها	۲- هدف‌ها کلی	۲- خودباوری منطقی
-	۳- کمترین مشخص کردن منابع مشارکتی آنها	-	۳- غیر دلی و همسنگی
۴- نامادری	۴- ارتباط از نگاه اهداف برنامه یا میزان جامعه روستایی	۴- نتیجه‌گیری‌ها وجود ندارد	۴- آشکار

ماده‌بندی کردن شهر و روستایی و حقوق همسنگی ملی و یادگیری

مقایسه فرایند برنامه‌ریزی از جنبه سطوح تصمیم‌گیری راهبردی میان برنامه چهارم و پنجم نیز حاکی از آن است که در برنامه چهارم سطوح برنامه‌ریزی و وظیفه با حداکثر ممکن رعایت شده است و بیش از ۶۸ درصد موارد برنامه، از عملیاتی بودن برخوردار و قضاوت کمی برخوردار هستند. این در حالی است که بر برنامه پنجم پیشنهادی فقط ۱/۵ درصد مواد برنامه از عملیاتی بودن برخوردار و دارای قضاوت کمی هستند. افزون بر این در برنامه چهارم به ابعاد محیطی (پایدار محیطی) به همراه ابعاد اجتماعی (مشارکت، سرمایه اجتماعی و نهادهای مدنی) توجه مناسب شده است و دوم اینکه، اغلب مواد برنامه چهارم در برنامه پنجم مجدداً پیشنهاد شده است با این تفاوت که مواد از سطح برنامه‌ای و وظیفه‌ای (کمی) خارج شده است و به صورت مفهومی (سطح سیاست‌گذاری) تدوین شده است (جدول).

با این توصیف می‌توان گفت که برنامه پنجم با رویکرد دوم نیز از کاستی‌های فراوانی چه از بعد منطق نقد و چه از بعد منطق مقایسه‌ای با برنامه چهارم برخوردار است و لذا در مجموع این برنامه پیشنهادی را نمی‌توان یک برنامه کامل بر اساس شیوه برنامه‌ریزی کلاسیک و جدید دانست که روش برنامه‌ریزی آن مبتنی بر فرضیه (کمینه سازی ریسک و بیشینه سازی اثربخشی) که با برجایی و سطح قابل قبول و آینده‌نگری را مطرح می‌سازد باشد، و در کل با یک دیدگاه خوشبینانه برنامه را می‌توان آرمان دانست.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

با عنایت به بیان مسئله و پرسش‌های مطرح شده و نظر به مبانی اندیشه‌ای و معیارهای داوری، می‌توان یافته‌ها را در دو جنبه مطرح کرد:

کاستی‌ها و قوت‌ها:

قوت

- ۱- مشخص کردن تعریف توسعه روستایی و اهداف مورد انتظار آن
- ۲- توجه به نهادسازی جدید
- ۳- حرکت محدود در جهت ابعاد راهبردی توسعه پایدار
- ۴- اختصاص یک ماده با دوازده بند به توسعه روستایی افزون بر توجه در سایر ماده‌ها

کاستی

- ۱- مشخص کردن تعریف توسعه ملی
- ۲- مشخص کردن ویژگی‌های الگوی اسلامی - ایرانی

جایگاه روستا در برنامه چهارم با توجه به ابعاد توسعه روستایی به لحاظ امکان‌پذیری و عملیاتی

دوره (تعداد سال)	توسعه روستایی در برنامه چهارم	ملاحظات
۱-۲	سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی، راهبردی و نظارت در امور روستایی، زیر نظر رئیس جمهور	
۳-۴	توسعه طرح‌های توسعه و عمران و شبکه ارائه خدمات روستایی در سطح برنامه‌ریزی و توسعه استان و شهرستان	
۵-۶	طرح جامع مشارکت و نظارت مردم	
۷-۸	سازماندهی متناهی	
۹-۱۰	ارتقای شاخص‌های توسعه روستایی، با ۲۵ درصد افزایش نسبت به برنامه سوم	
۱۱-۱۲	پوشش کامل خدمات رفاهی، بهداشتی و اجتماعی روستاییان	
۱۳-۱۴	گسترش مشارکت شوراهای روستایی و سطح محلی	
۱۵-۱۶	حفظ و ارتقای سرمایه اجتماعی و ارتقای رضایتمندی عمومی و گسترش نهادهای محلی	
۱۷-۱۸	خروج دام از جنگل ۲۰ درصد	
۱۹-۲۰	توسعه زراعت چوبه به میزان حداقل ۱۵٪ مشغولین در یکصد هزار هکتار	
۲۱-۲۲	حذف تعرفه واردات چوب و تسهیل مبارزه با قاچاق	
۲۳-۲۴	تخصیص نقد در اسد سالانه اعتبارات روستایی و عشایری	
۲۵-۲۶	کاهش ۵۰ درصدی مزاحه دام از مراتع و بیابان‌ها	
۲۷-۲۸	بازدادن دام و چوپان	

(ماخذ: با استفاده از سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، ۱۳۸۴)

- ۳ - مشخص کردن چگونگی تعیین معیارهای ضمانت اجرایی (مستندسازی) از جمله
 ۱. آسیب شناسی علمی، ۲. استفاده از تجربیات به دست آمده، ۳ - توجه به هدف مندی، انسجام، هماهنگی درونی، انطباق با شرایط بومی، عملیاتی بودن، اختصار، انعطاف پذیری، ارائه راهکارهای روشن اجرایی
- ۴ - مشخص کردن معیارهای سنجش و اجرایی، شاخص‌های پایه‌ای برنامه (پیشرفت و عدالت)
- ۵ - مشخص کردن مشارکت مردم

- ۶ - کمی نمودن سیاست‌ها با توجه به ماهیت برنامه
- ۷ - حاکم بودن فعالیت بخشی و برنامه‌ریزی عقلایی و راهبردی نبودن برنامه علی‌رغم تأکید برنامه بر تغییر رویکرد برنامه
- ۸ - مشخص کردن کامل سطوح فعالیت و سیاست‌گذاری‌ها در توسعه روستایی بر اساس آمایش در روستاهای مادر شهر، شهرهای بزرگ، متوسط و کوچک
- ۹ - تکرار سیاست‌های برنامه‌های قبلی در توسعه روستایی به صورت مفهومی و لذا پذیرش ساختاری بودن مشکلات
- ۱۰ - مشخص کردن اندیشه (نظریه) برنامه براساس الگوی اسلامی ایرانی
- ۱۱ - مشخص کردن آسیب شناسی علمی، برنامه (چند مشکل راهبردی با توجه به الگوی توسعه پایدار وجود دارد).
- ۱۲ - مشخص کردن سطوح راهبرد و تمایز آنها در برنامه (یعنی سطح تصمیم‌گیری‌ها و معماری برنامه در زمینه سیاست‌گذاری، (تئوریک)، سطح برنامه‌ریزی و سطح وظیفه‌ای مشخص نیست بدین معنی که سطح سیاست‌گذاری و تئوریک توسط رهبری از طریق مجمع تشخیص مصلحت تحت عنوان سیاست‌های کلی مطرح می‌شود. سطح برنامه‌ریزی که تدوین برنامه میان‌مدت را به عهده دارد، بایستی سیاست کلی را به هدف‌ها و راهبردهای عملیاتی تبدیل کند و سطح وظیفه‌ای که اجرای راهبردهای کوتاه‌مدت و سالانه را به عهده دارد روی انجام دادن کارها و فعالیت تأکید دارد).
- ۱۳ - برنامه با وجود ادعای تغییر رویکرد به فرایند مدیریت راهبردی (تبدیل فکر راهبردی به عمل راهبردی) یا گذار از تدوین راهبرد به اجرا که می‌بایستی سه گام شناسایی و تنظیم هدف‌های کوتاه‌مدت، تدوین و توسعه راهبردهای وظیفه‌ای و سیاست‌های ارتباطی توانمندسازی و ظرفیت‌سازی را مورد توجه قرار می‌داد چندان وفادار نبوده است. به عنوان نمونه در تنظیم هدف‌های کوتاه‌مدت به معیارهای بازده و نفوذ که اثر بخشی راهبردها را شکل می‌دهند کم عنایتی شده است و یا سیاست‌های ارتباطی، راهنمای خاصی برای مدیران عملیاتی هستند و هدف‌های کوتاه‌مدت بایستی به بیان‌های قابل سنجش درآیند که چنین نیست.
- ۱۴ - تغییر رویکرد، برنامه‌ریزی راهبردی و نظارت راهبردی می‌طلبد که شیوه آن غیرمتمرکز و مبتنی بر مشارکت سازمان‌یافته مردمی است و در این نظارت، دیدن اساسی کنترل، تشویق شکلی از نظارت عمومی با توجه به منابع اطلاعات مختلف، ضروری است که برنامه آن را به فراموشی سپرده است.

اما در مورد نتیجه‌گیری باید گفت، یافته‌های حاصل از بکارگیری مدل‌های ارزیابی و نقد با دو رویکرد نشان داد که:

۱- فرایند معماری (اصول، چارچوب، فرایندها) در برنامه پنجم به درستی انجام نشده است، به طوری که نمی‌توان از داده‌ها و فرایندهای مطرح در برنامه، ستانده مطلوب (رویکرد مبنایی و اهداف مورد ادعا) گرفت.

۲- در فرایند معماری، نظریه مبتنی بر فرضیه، مورد توجه قرار نگرفته است و از این رو، برنامه را نمی‌توان منطبق با علم برنامه‌ریزی با هر رویکردی دانست.

۳- با کاستی علمی در معماری برنامه، مدیریت کردن برنامه (اجرای برنامه) نیز با کاستی مبتنی بر رفتار سلیقه‌ای، روبه‌رو خواهد شد و از این رو، بازنگری علمی در برنامه یک ضرورت اجتناب‌پذیر است تا ریسک منابع، هزینه، زمان و مدیریت اجرا را به کمینه خود برساند.

۴- معماری برنامه نشان از تقویت تمرکز گرایی و بزرگ شدن دولت و تقویت نهادهای شبه دولتی دارد.

۵- معماری برنامه نشان‌دهنده این نکته راهبردی است که مهندسی فرهنگی ادعایی برنامه در مورد روستا (ماده‌های پیشنهادی) چندان جدی گرفته نشده است.

۶- و سرانجام باید گفت، اگر موارد پنجگانه پیش گفته با اصول ویژه توسعه پایدار که دربرگیرنده تسهیل‌کنندگی، مشارکت، فرایند یادگیری، انعطاف‌پذیری، اطمینان از روش‌ها و ارزیابی است (در حالی که همه اینها به صورت یک نظام دارای ارتباط زنجیره‌ای میان داده‌ها، فرایندها (فعالیت‌ها) با نتایج هستند) با ماده‌های پیشنهادی تطبیق داده شود، این نتیجه به دست می‌آید که سیاست‌های ترسیمی و جهت‌گیری توسعه روستایی نمی‌تواند دستیابی به فرصت‌ها، کاهش تهدیدها و آثار و پیامدهای تغییرساز توسعه‌ای، را فراهم و رویکرد تغییر ادعایی برنامه را دنبال کند. حداقل انتظار از برنامه این است که با بازنگری از طریق تصمیم‌گیری آگاهانه، وضع موجود را حفظ کند.

پی نوشت ها:

- ۱- Assessment
- ۲- Appraisal
- ۳- Evaluation
- ۴- Monitoring

منابع فارسی:

- اوزیرن. دیوید. «بازآفرینی دولت»، ترجمه: فضل الله امینی، تهران، انتشارات فدا، ۱۳۸۴.
- افتخاری. عبدالرضا و دیگران، «تدوین برنامه ریزی راهبردی توسعه کالبدی مناطق روستایی کشور (خلاصه گزارش نهایی)»؛ تهران، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، ۱۳۸۸.
- برایون. جان. ام. «برنامه ریزی استراتژیک»، ترجمه عباس منوریان، تهران، موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه ریزی، ۱۳۸۳.
- پیبرز، جان. ای و ریچارد. بی رابینسون، «مدیریت راهبردی»، ترجمه سید محمود حسینی، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۷.
- سازمان مدیریت و برنامه ریزی، «برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران»، ۶ جلد، انتشارات سازمان مدیریت و برنامه ریزی، تهران، ۱۳۸۴.
- معاونت برنامه ریزی و نظارت و راهبردی ریاست جمهوری، لایحه برنامه پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران، تهران، ۱۳۸۸.
- میرزایی، حمیدرضا، «روش تحقیق»، تهران، انتشارات شایسته گستر، ۱۳۸۷.

منابع انگلیسی:

- Galway. NUI, sarah callanam, Michael Eulldy, frederie morand (1999), methodology for evaluation rural development policy measures, IDARA, PP.5-10.
- I.F.R.C & RCS(2002); Handbook for monitoring and evaluation, Switzerland, I.F.R.C & RCS, PP.3-10.